

نقش مدیریت شهری در سرمایه اجتماعی جهت ارتقاء سلامت جامعه

آیناز لطف عطا
کارشناس ارشد معماری

چکیده :

امروزه سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در شهرها ایفا می‌کند و ارزش‌ها، هنجارها، روابط اجتماعی و شبکه‌های روابط جمعی، انسجام بخش میان شهروندان و سازمان‌هاست. هرچه توجه به سرمایه های اجتماعی در یک نظام مدیریت شهری بالاتر باشد، موجب پایین آمدن هزینه های مربوط به تعاملات رسمی می‌گردد. این امر نشان دهنده آن است که هماهنگی بین اعضای نظام های اجتماعی براساس هنجارهای غیررسمی در حال تبدیل شدن به یک بحث مهم در جوامع مختلف است و به تدریج جایگاه مهم تری را در الگوهای اقتصادی نوین به خود اختصاص می‌دهد. بطور تاریخی این سه سرمایه (انسانی، اجتماعی، اقتصادی) مکمل یکدیگرند و با هم شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند بطوریکه سرمایه انسانی فقط در دامن سرمایه اجتماعی رشد می‌کند و سرمایه اقتصادی نیز بدون وجود آن دو سرمایه بازده ندارد در این پی توجه به حیات مدنی در شهر که از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل شده است جهت حفظ سرمایه های اجتماعی برای ارتقاء سلامت جامعه حائز اهمیت می‌گردد.

واژه های کلیدی : مدیریت شهری ، جامعه مدنی ، سرمایه اجتماعی ، سرمایه مادی (کالبد شهری) ، شهروند مداری ، مشارکت

مقدمه:

سرمایه اجتماعی، مفهوم نوینی است که امروزه در بررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی (علاوه بر حوزه های فرهنگی- اجتماعی) ، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی و توسعه جامعه است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت شهرها و سازمان ها، می تواند شناخت جدیدی را از نظام های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیران را در هدایت بهتر کلان شهرها یاری کند. از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام های اجتماعی است که موجب

ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد. براساس این تعریف، مفاهیمی نظیر نهادهای اجتماعی و مدنی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می گردند. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده است بطور کلی سرمایه اجتماعی را می توان حاصل پدیده های ذیل ۱- اعتماد متقابل ۲- تعامل اجتماعی متقابل ۳- گروههای اجتماعی ۴- احساس هویت جمعی و گروهی ۵- وجود تصویری مشترک از آینده دانست که موارد ذکر شده با تقویت حیات مدنی و با علم به مدیریت شهری و اجتماعی در شهرها امکان پذیر می گردد. در این پی هابرماس^۱ لازمه ی حیات مدنی را دستیابی به فضای عمومی می داند. (جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۸۹). فضا های عمومی که با شناخت نیازمندی های انسان شکل گرفته است و فضای شهری به عنوان فضای عمومی، محل ظهور و حیات بخش اندیشه ها و خواست های فردی و اجتماعی انسان هاست. و لازم به ذکر است که فضا به عنوان بخش کالبدی محیط می تواند بر رفتار اثر گذارد و نسبت به آن نقش کنترل کننده داشته باشد، به عبارتی رفتارهایی را تضعیف و رفتارهایی را تشویق نماید. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۵۴)

طرح مسئله و ضرورت بررسی آن:

یکی از مفاهیم جدید و مهمی که این روزها در علوم اجتماعی و به ویژه ادبیات اقتصادی و توسعه نقش و جایگاه پیدا کرده و متأسفانه کمتر به آن توجه می شود سرمایه اجتماعی است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش ها در این حوزه بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی است. به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش های اجتماعی می شود، به طوری که در مواقع بحرانی می توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. پایین آمدن سرمایه اجتماعی، زندگی عادی مردم را متوقف نمی کند، زندگی جریان دارد اما همه ی امور پرهزینه تر و کندتر می شود.

از مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان ابزار تحلیلی خاصی در حوزه ی عمومی استفاده می شود که می تواند رابطه ی معنا داری با بسیاری از امور داشته باشد یکی از این امور دل بستگی به فضای کالبدی و شکل فیزیکی محیط های زندگی است. اگرچه سرمایه اجتماعی مفهومی جامعه شناختی است که در حوزه ی علوم انسانی و فرهنگی مطرح شده، اما امروزه بسیاری از تحقیقات نشان داده که وجود سرمایه اجتماعی به میزان زیادی روی شاخص های بهداشتی و سلامت روان افراد نیز موثر واقع می شود، مثلاً در افراد و گروه هایی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، بیماری های جسمی و روانی کم تر بروز و حتی میزان امید به زندگی نیز به صورت چشم گیری افزایش می یابد.

نظریه پردازانی همچون جین جاکوب^۲، لوری^۳، بیکر^۴، کلمن^۵، رابرت پاتنام^۶، پیربورديو^۷ و فرانسین فوکویاما^۸ تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. جیمز جاکوب در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر موارد در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. از نظر پیربورديو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه است.

برخلاف بورديو، کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. او برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی را ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند.

از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. پاتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد و سرمایه اجتماعی درون گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان یک پدیده جامعه شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد و هرچه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت. آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند. (تاجبخش، ۱۳۸۵:

(۹۸

تحزیه و تحلیل	هدف	تعریف سرمایه اجتماعی	محققین
افراد در حال رقابت با هم	رسیدن به سرمایه اقتصادی	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند.	بورديو
افراد در گروه های فامیلی و اجتماعی (فرد با گروه)	رسیدن به سرمایه انسانی	جنبه هایی از ساختار اجتماعی هستند که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند.	کلمن
حکومت های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)	رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	اعتماد، هنجارها و شبکه ها یی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	پوتنام

شکل (۱) تعاریف سرمایه اجتماعی (متولی، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

در زندگی شهری امروز وجود مجتمع های مسکونی، آپارتمانهای مرتفع، شمار فراوان خانه های کوچک و نبود حیاط و محیط های باز در خانه ها منجر به شکل گیری کوچه ها، محوطه های باز و فضاهای بیرونی می گردد. با نظر به اینکه، یکی از مسایل مهمی که بر انباشت فزاینده ی سرمایه ی اجتماعی تاثیر مستقیم دارد، فضای کالبدی و شکل فیزیکی محیط های زندگی است طوری که بافت مسکونی و ترکیب آن با سایر کاربری ها، از جمله تجاری، تفریحی، آموزشی و حتی شکل ظاهری و بیرونی ساختمان ها و فضا ها می تواند بر کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی موثر باشد. در دوران گذشته محلات شهری در مقیاس خرد سرمایه های اجتماعی محسوب می شدند ولی به دلیل تغییرات شیوه های زندگی و مطرح شدن مسائلی همچون جهانی شدن ساختار شهرها فرم محله ای خود را از دست داده است که به دنبال آن سرمایه های اجتماعی نیز در پی این تغییرات به فراموشی سپرده شده است. این که فرد به یک منطقه از شهر دل بستگی نشان می دهد و به منطقه ی دیگر چنین حسی ندارد شاید این امر کمی ناخود آگاه به نظر آید ولی در واقع دلیل اصلی تمام این احساسات وجود یا فقدان سرمایه ی اجتماعی است. وجود سرمایه اجتماعی ست که باعث می شود فرد از یک محیط

خوشش آمده و به آن جذب شود. چرا که هویت ها در کالبد محله و خانه ها بی گره خورده بود. که شهرسازی برخاسته از مدرنیته نابودش کرد و مرز هایش را از هم گسست. از طرفی دیگر، شکل گیری فضای سایبر در ایران، همانند بسیاری از نقاط جهان باعث شده برای اولین بار نوجوانان، جوانان، زنان و بسیاری از گروه های اجتماعی که به دلایل مختلف در حاشیه جامعه قرار گرفته بودند، بطور فعال وارد عرصه همگانی و جهانی شوند، تعامل بدون بدن باعث به وجود آمدن انگاره ها، خود-روایت ها، هنجاری های اجتماعی و اخلاقی جدیدی می شود که توجه به عرصه های عمومی را دو چندان می کنند. (خاتم، ۱۳۸۴: ۱۰)

مدیریت شهری:

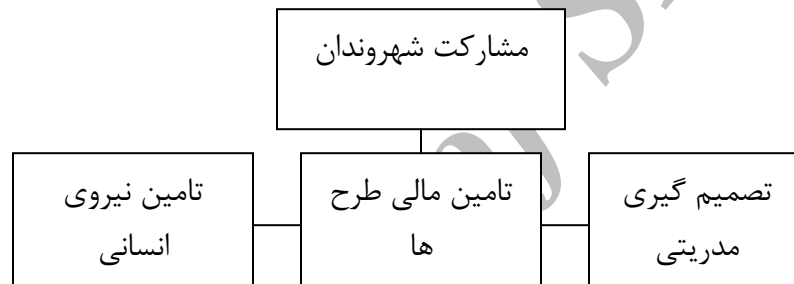
مدیریت شهری عبارت از فرایند اداره ی امور شهر از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، هدایت و کنترل کلیه فعل و افعالات مرتبط با ارائه خدمات و محصولات مورد نیاز شهروندان است. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می باشد. بر این اساس «مدیریت شهری پایدار» مطرح و مورد تاکید می باشد: مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه های فعالیت های شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارت دیگر شهری پایدار زمانی شکل می گیرد و کارآمدی خود را نشان می دهد که مشارکت و مداخله مردم را به صورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد. (ملکی، ۱۳۸۲: ۳۶)

مدیریت شهری به نحوی تنگاتنگ با رفاه شهروندان پیوند دارد و باید امکان دستیابی شهروندان به مسکن مناسب، بهداشت، آب سالم، محیط پاکیزه، آموزش، کار، تغذیه، امنیت، امکانات تفریحی و... را فراهم آورد. مدیریت مطلوب شهری تنها در صورتی عملی می شود که شهروندان نیز در آن مشارکت داشته باشند. در واقع تنها با مشارکت مردم در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح ها و نیز نظارت همه جانبه ی آنها بر عملکرد مدیران شهری، می توان امیدوار بود که شهر بطور مطلوب اداره شود. وظایف مدیریت مطلوب شهری به اختصار بر شمرده می شود ۱- اعتقاد و پایبندی به حاکمیت قانون، ۲- شفافیت، ۳- برابری، ۴- کار آمدی، ۵- مدیریت نوآورانه، ۶- دیریت تمرکز زدا، ۷- برقرار ساختن امنیت فراگیر، ۸- تعامل با شهروندان، ۹- توسعه ی منابع انسانی، ۱۰- مسئولیت پذیری، ۱۱- داشتن دیدگاه راهبردی.

در این پی توجه به عوامل و پدیده های مختلفی که شهر را شکل می دهند الزامی می گردد که این عوامل و پدیده ها را می توانیم در حالت کلی به دو گروه طبقه بندی کنیم: الف) پدیده ها و عوامل کالبدی و مادی ب) پدیده ها و عوامل اجتماعی و فرهنگی. مدیریت شهری کارآمد باید بتواند به نیازهای فرهنگی، روانی و آیینی مردم پاسخ دهد. بسیاری از شهرهای ما در حال حاضر چه در سطح

کلان و چه در مقیاس های خرد فاقد چنین امکانی هستند، یعنی قادر نیستند نیازهای روانی یا فرهنگی مردم را به حد کافی پاسخ بدهند.

مدیریت اجتماعی در کالبد مدیریت شهری حضوری محسوس و غیر قابل انکار دارد، با نگاهی اجمالی آمارهای افسردگی مردم در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه به این نکته پی خواهیم بُرد. وظیفه مدیریت شهری، مدیریت سرمایه ها در شهر است. همزمان با افزایش درک اهمیت روز افزون و تاثیرات شگرف تحولات شهری در توسعه ملی، شاهد ناتوانی دولت در تمامی سطوح در اداره امور شهرها و پاسخگویی به نیازهای فزاینده و متنوع شهروندان خصوصاً در شهرهای بزرگ هستیم. این در حالی است که بطور وضوح توسعه هر کشوری در تمامی ابعاد با نحوه ی اداره شهرهای آن همبستگی عمیقی دارد. بنابراین شیوه جدید در نحوه اداره شهرها لازم است که مبتنی بر نگرش نوینی از حاکمیت و حکمرانی شهری باشد تا در اداره شهر بگونه ای عمل نماید که نه تنها دولت بلکه مشارکت مردمی را نیز به یاری طلبیده و زمینه و توان جذب همکاری آنان را داشته باشد.



شکل ۲) مشارکت شهروندان در اداره ی امور شهرها

نیاز به مشارکت ساکنان یک منطقه در تامین امکانات رفاهی و زیبا سازی محله ها مسئله ای نیست که به تازگی مطرح شده باشد. در جوامع سنتی که رفتار اعضای آنها هنوز بر مبنای سنتهای قدیمی صورت می گیرد، اتحاد و یکپارچگی افراد محل، مسائل کوچه و خیابان های محله را نیز حل می کند. ولی با پیچیده تر شدن روابط بین فردی ساکنان یک منطقه و درگیر شدن آنها با مسائل زندگی مدرن، دیگر امکان برقراری این روابط خود جوش و کارا فراهم نیست. رضایت شهروندان از عملکردهای نهادهای عمومی به عواملی مانند فرهنگ مدنی جامعه، مشارکت پذیری، پاسخگویی و شفافیت مدیریت متکی است.

سرمایه اجتماعی ضمن اینکه به عنوان نوعی چسب اجتماعی عامل برقراری پیوند ها، مناسبات و تعاملات اجتماعی است اصول و قواعد مشترکی را در اختیار جامعه و شهروندان قرار می دهد که بر مبنای آن می توانند انتظارات و توقعات خود را از یکدیگر تنظیم کنند و در موقعیت های مختلف رفتارهای پیش بینی پذیری از خود نشان دهند. به تعبیر دیگر سرمایه اجتماعی از یک طرف مشارکت پذیری و امکان مشارکت افراد را در جامعه فراهم می آورد و از سوی دیگر رفتارها و مناسبات اجتماعی را قاعده مند و پیش بینی پذیر می کند. در نقطه ی مقابل تزلزل، کاستی و تضعیف سرمایه ی

اجتماعی موجب بی‌هنجاری و آنومی اجتماعی می‌گردد. سرمایه‌ی اجتماعی، هسته‌ی تجربی واقعی یا جوهر آن چیزی است که جامعه‌ی مدنی نام گرفته است. از خصایص جامعه مدنی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: الف) کثرت‌گرایی ب) قانون‌مداری ج) فردباوری د) گفت‌وگو ه) مشارکت. که از این موارد توجه اکید به دو مقوله گفت‌وگو و مشارکت الزامی است. که امروزه گفت‌وگو در فضا‌های شهری کم‌رنگ گشته است. مدنیت، به معنای مشارکتی آن، ستون مرکزی نوعی سازمان اجتماعی است که گفتگو را موجه می‌کند، مدنیت به معنای توانا ساختن فرد جهت شنیدن حرف‌های دیگران می‌باشد. که اساس آن بر احترام متقابل، مشارکت و آزادی استوار است و این ارزش‌ها فرهنگ گفتگو را توجیه می‌کند. این گفته بیانگر آن است که گفتگو فرهنگ خاص خود را می‌طلبد و در چارچوب یک فرهنگ مدنی معنا می‌یابد.

یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت، کاهش اختلالات اجتماعی است. چهار نوع اختلال اجتماعی لازم به ذکر است ۱- اختلال نمادی هنگامی رخ می‌دهد که مردم یک جامعه از نظر احساسات، تصورات و اصول فرهنگی دارای اشتراک نباشند. ۲- اختلال هنجاری زمانی رخ می‌دهد که جامعه از نظر هنجارها قطبی شده باشد یا در میان هنجارهای معتبر اجتماعی تضاد وجود داشته باشد. ۳- اختلال رابطه‌ای هنگامی رخ می‌دهد که احترام متقابل اجتماعی به انصاف اجتماعی و هویت جمعی در جامعه کم‌رنگ شده باشد. (متولی، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

بدون وجود فضای عمومی تعامل اجتماعی هم صورت نخواهد گرفت. فضای عمومی شهری زمانی بستر گفت و گوی شهروندان را فراهم می‌سازد که اجماع و اتفاق نظر در مطلوبیت فضای شهری وجود داشته باشد بر این اساس در جوامع سنتی، کالبد شهر در صورتی به فضای گفت و گو تبدیل می‌شود که نیازهای معطوف به حیات عمومی جامعه سنتی را فراهم سازد. به همین صورت در جامعه مدرن نیز فضای عمومی شهری در صورت معطوف به حیات مدنی شهروندان می‌تواند فضای مناسب گفت و گو را فراهم سازد. یکسان‌انگاری و اصرار بر یکسان کردن فضای شهری چیزی جز صرف هزینه‌های گزاف نخواهد بود.

فضای شهر در شرایطی به فضای گفت و گو می‌انجامد که آمیزه‌ای متناسب از سنت و مدرن باشد. کریستین نوربرگ شولتز^۱ می‌گوید: "در شهر همه‌ی مضامین و عناصر بر آن هستند تا تصویر محیطی خوشایندی را برای انسان‌های درون خود ایجاد کنند". (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۰۶) در شهر وجود مکان‌های متفاوت با ویژگی‌های خاص، این امکان را فراهم می‌آورد که افراد آزادی را حس کنند و توسط فضا‌های منطبق با روحیات و خواسته‌های خود احراز هویت نمایند و بدین وسیله نوعی تعلق و مشارکت را در شهر سبب شوند. یک مکان کاملاً "مناسب و تطبیق یافته مکانی است که در آن عملکرد و شکل به خوبی با هم منطبق شده باشد. آن‌چه شهر را می‌سازد، نه پارک‌ها، خانه‌ها، مغازه‌ها، خیابان‌ها و ... که آدم‌های آن شهرند و آدم‌ها تا به جایی احساس تعلق نداشته باشند، آن‌جا شهر نمی‌شود.

شهر از سه عرصه خصوصی، دولتی و عمومی شکل گرفته است، عرصه خصوصی، فضاهای اختصاصی متعلق به افراد است مانند خانه ها. عرصه دولتی، فضاهای متعلق به دولت است. اما عرصه عمومی متعلق به همه است. جاییست که در آن حادثه‌ها و رویدادهای پیش‌بینی‌نشده و برنامه‌ریزی نشده رخ می‌دهند و این همان چیزیست که «زندگی شهری» را می‌سازد. زندگی شهری در عرصه عمومی جریان می‌یابد. حوادث و وقایع «نمایش شهری» را پدید می‌آورند. عرصه عمومی محل سرمایه‌گذاری اجتماعی است. در شهرهای ما عرصه عمومی وجود ندارد، پاتوق، جایی که آدم‌ها با هم وارد تعامل، رابطه و کنش متقابل شوند، هویت جمعی شهری پیدا کنند، حیات جمعی و زندگی شهری در آن جریان یابد و آدم‌ها در آن، بودن در جمع را احساس کنند. زمانی که عرصه عمومی خوب عمل نکند خاطره جمعی ایجاد نمی‌شود، تعلق به مکان حاصل نمی‌گردد، فرد به «بودن جمعی» دست نمی‌یابد، آنچه که مطرح شد ارتباط نزدیکی با مفهوم شهروندی دارد. حیات مدنی و رای سرزندگی شهریست. حیات مدنی مربوط به سازمان و ساختار اجتماعی است. لینچ⁷ محور اصلی برای شکل خوب شهر به قرار زیر معرفی نموده است: ۱- سرزندگی ۲- معنی ۳- تناسب ۴- دسترسی ۵- نظارت و اختیار ۶- کارایی ۷- عدالت. (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

شهروند مداری:

شهروند در نظر فلاسفه و جامعه‌شناسان چیزی و رای یک هویت صرف سیاسی یعنی «رای دهنده» است. بدین سان شهروند به مثابه ستون و شاکله یک زیست اجتماعی توسعه یافته و یک ساختار سیاسی دموکراتیک رخ عیان می‌کند. عدالت و رفاه اجتماعی یکی از پیامدهای طبیعی حراست و به رسمیت شناختن حقوق مدنی شهروندی است. شهروندی در یک جامعه مدنی، اول از همه با مشارکت فعال در امور عمومی مشخص می‌شود. به عقیده میشل والرژ، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دلبستگی به هدف‌های عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی هستند. مشارکت به معنای عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و همواره با تکامل او تحول یافته است چرا که انسان به طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند.

مشارکت سنتی	مشارکت جدید
براساس عرف، عادت، سنت و مذهب پدید می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادی و خود جوش وجود دارد. در این نوع مشارکت، دولت هیچ نقشی در هدایت و سازماندهی امور ندارد و در واقع انجام تمام کارها بر عهده مردم است.	در این نوع مشارکت محرکی از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت مردم در امور، در قالب برنامه‌های خاص، وارد می‌شود که می‌تواند به صورت اجباری یا داوطلبانه باشد.

شکل ۳) مقایسه مشارکت سنتی و جدید

تحقق شهروندی در عمل پیامدهای مناسب و دو جانبه ای هم برای شهروندان و حکومت های محلی و دولت های شهری دارد از جمله: ۱- بسط توانایی های افراد ۲- تقویت حس اعتماد اجتماعی و اطمینان اجتماعی به حکومت محلی ۳- تقویت حس همکاری میان شهروندان ۴- تقویت هویت شهری و احساس تعلق بیشتر به جامعه شهری. فراهم شدن ساختارها و ترتیبات نهادی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگ شهری پیش شرط تحقق عملی شهروندی است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

مهمترین اقداماتی که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از: ۱- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی ۲- تقویت وغنی سازی آموزشهای عمومی ۳- تامین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی ۴- پرهیز از تصدی گری بخشهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیتهای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتهای و زمینه سازی ایجاد ۵- تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد بین آحاد مختلف مردم. اندیشه ی اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه های اجتماعی مردم را به همکاری و اعتماد پذیری بیشتری در برخورد هایشان تشویق کند و از شرایط انفرادی شان بیرون آورد.

مجموعه سنتی سرمایه طبیعی، سرمایه مادی یا تولیدی و سرمایه انسانی باید گسترش یابد و سرمایه اجتماعی را نیز در بر گیرد. منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درون فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش های حاکم بر تعاملات فیما بین مردم و نهادهایی است که هنجارها و ارزش ها در آن تعبیه می شوند. سرمایه ی اجتماعی به منزله ی چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی گردد.

مدیریت آینده نگر شهری، مدیریتی است که رشد توسعه ی پایدار و دگرگونی شهرها را مدنظر قرار می دهد. بدیهی است که چنین مدیریتی نمی تواند تنها در چارچوب طرح کاربری زمین به عنوان برنامه ریزی شهری و ارائه یکسری خدمات شهری تحقق یابد و بلکه پیش از پیش، نیازمند شناخت همه جنبه مسائل و مشکلات شهر و شهروندان از لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و رفاهی خواهد بود از جمله ضعف های سازمان های شهرداری کشور، عدم توجه کافی و لازم به مشارکت بخش خصوصی در طرح های اجرایی شهرداری و خدمات شهری، لحاظ نکرد ویژگی های محیطی و اجتماعی و فرهنگی در انجام طرح های توسعه شهری، مشارکت بسیار اندک شهروندان در تصمیم گیری ها است.

مدیریت شهری دارای دو دستور کار پروژه توسعه شهری، پروژه مشارکت شهری می باشد.

اهداف مدیریت شهری:

- ارتقای شرایط و کار و زندگی همه ی مردم شهر

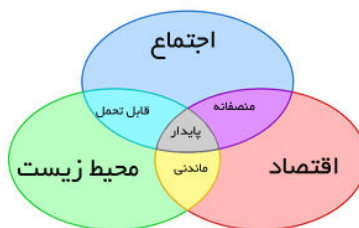
- توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار : الف : تقویت انگیزه ها و سازوکارهای لازم برای جلب مشارکت فعال شهروندان در مدیریت شهری . ب) تقویت انگیزه ها و سازوکارهای لازم برای بیشترین بهره وری از منابع توسعه شهری .
- تقویت و بهینه سازی سازمان های منتخب شهروندان برای اداره امور شهر .
- تقویت کیفیت برنامه ریزی و مدیریت شهری .
- حفاظت از محیط کالبدی شهر .

مدتی است که دوران سیطره کمیت به سرآمده است . باید به کیفیت های محیطی توجه کرد . ارتقای کیفیت محیط شهری تنها با زیبا سازی ظاهری ، تامین تناسبات بصری ، ایجاد ایمنی ترافیکی و نظایر آن تحقق نمی پذیرد . این تصویر ذهنی مردم از شهر و فضای شهری است که نقش اصلی را در تامین دلپذیری ، نشاط ، راحتی و ایمنی ایفا می کند . محققان ، تغییرات اجتماعی و فرهنگی زندگی شهر را به عواملی مختلف نسبت می دهند . برخی بر تغییرات رفتاری جامعه طی زمان تاکید می ورزند و بروز نوعی فردگرایی را عامل این تغییرات رفتاری می دانند و دسته ای دیگر اندازه شهر را به لحاظ وسعت و جمعیت عامل اصلی موثر بر رفتار اجتماعی ، فرهنگ و روابط مردم می شناسند . سرعت زندگی و ضرباهنگ شهری امروزه به عنوان عامل مهمی در کاهش تعاملات اجتماعی و بروز روحیه فردگرایی مطرح می گردد . تا زمانی که شهر مفهوم اجتماع پیدا نکند و به صورت گسیخته و غیرهمه جانبه رشد کند مفهوم سازندگی شهر تحقق نمی یابد و امکان اثربخشی مولفه های مدیریت پایدار کاهش می یابد . شهر با حیات مدنی شهر می شود و حیات مدنی کیفیتی از حیات فرهنگی - اجتماعی است که خارج از ساختمان ها در کاربری های گوناگون جریان دارد . شهروند و مدیریت شهری ماهیتی فاعلی دارند و ماهیت کالبدی شهر ، انفعالی است . انسان بنا به صفت مدنی الطبع بودن میل به شهروندی دارد و نیازمند حیات مدنی است . مدیریت شهری مکلف به ساماندهی و مدیریت بر کالبد شهر می باشد . در تعریف جامد شهر ، کمیت ها تعیین کننده اند و در تعریف شهر به عنوان محل وقوع حیات مدنی ، کیفیت زندگی شهروندان میزان سنجش است . از منظر حیات مدنی ، هر شهری سرمایه هایی دارد : سرمایه های طبیعی ، تاریخی ، کالبدی ، اجتماعی و فرهنگی و حتی سرمایه های مادی و کمی . این سرمایه ها عموماً " از منظر شهر جامد به مثابه سرمایه دید ، فهمیده و ادراک نمی شوند . در این گونه دیدگاه از شهر ، امتیازاتی که طبعاً " ضامن بقا و تداوم دهنده ی حیات و مبین هویت شهر هستند یا به عنوان مزاحم از سر راه برداشته می شوند یا مصرف می گردند . در شهر با تراز حیات مدنی ، امتیازات و سرمایه ها ، عناصر پایدار شهر شمرده می شوند و همه ی تلاش مدیریت شهری در جهت تقویت این عناصر و ایجاد سرمایه های جدی و پایدار برای شهر است . شهر در تراز حیات مدنی محل ظهور فرهنگ است . امنیت در شهر با تراز حیات مدنی ، بر اثر نظارت اجتماعی شهروندان حاصل می شود . پایداری شهری مفهومی است که در پی طرح « توسعه ی پایدار » به عنوان الگوواره ی جدیدی در جهان مطرح گردید . ریشه های نگرش « توسعه ی پایدار » به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی - اقتصادی

در شهرها از منظر بوم‌شناسی بر می‌گردد. مشارکت باید به گونه‌ای فراهم آید تا شهروندان احساس عمیق و جدی پیدا کنند که خودشان در رشد و توسعه شهر نقش بسزایی دارند و در واقع گرداننده اصلی خودشان می‌باشند. به همین خاطر است که صاحب‌نظران مدیریت شهری بعضاً "اعتقاد پیدا می‌کنند که می‌بایستی بخشی از مدیریت شهری و جنبه‌های آن به نهادهای مردمی واگذار شود. ضرورت این امر را می‌توان در چند رویکرد اساسی خلاصه نمود: ۱- مشارکت شهروندان منجر به بکارگیری و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود شهر و نیروهای توانمند شهر می‌گردد. ۲- باعث افزایش شور و اشتیاق مردم برای مشارکت در امور شهری گشته و روحیه سازندگی شهروندان را افزایش می‌دهد. ۳- مشارکت در مدیریت امور شهر باعث افزایش نوآوری و ابتکار می‌گردد چرا که مردم به واسطه قرار گرفتن در بطن آن خوب می‌توانند خواسته‌ها را شناسایی و راه حل‌های پیشنهادی ارائه نمایند.

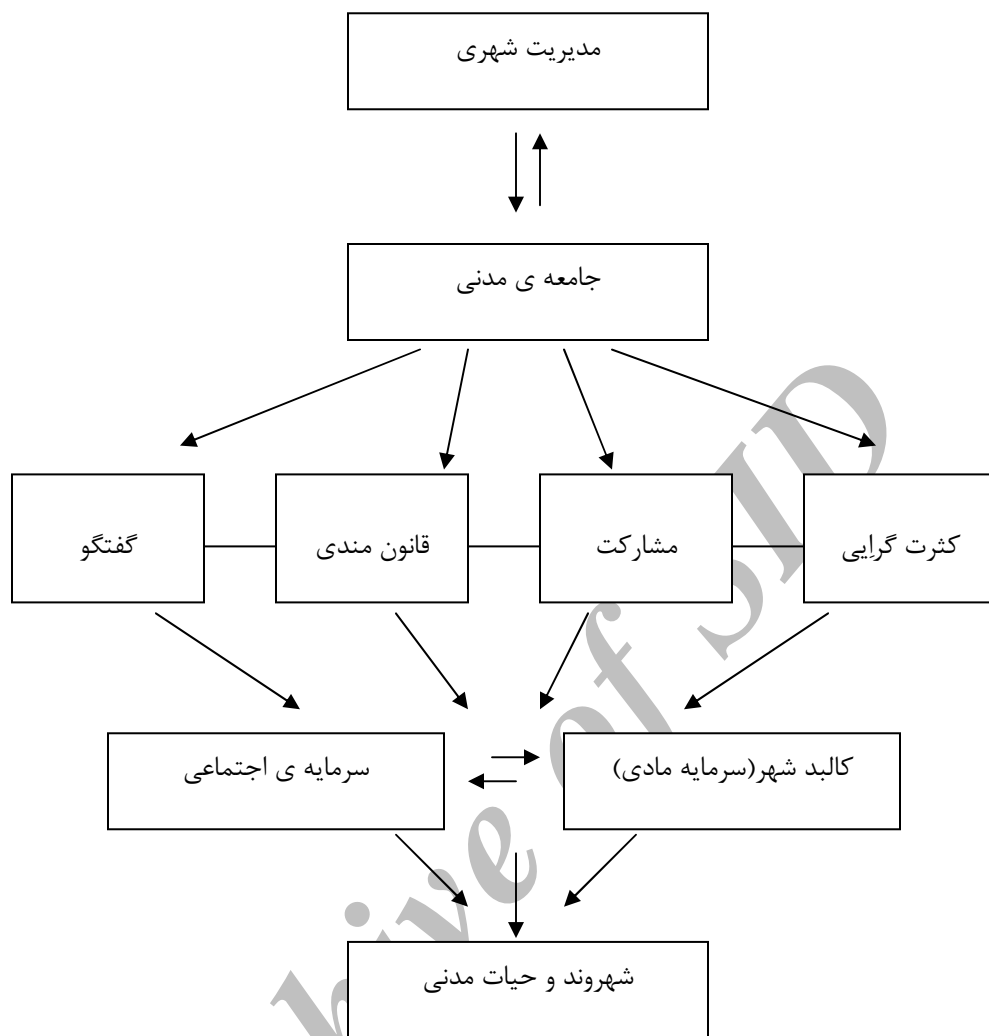
همان‌طور که ذکر شد، سرمایه‌ی اجتماعی در دو بعد ذهنی و ساختی با سطوح سرمایه‌ی کالبدی ارتباط مستقیم دارد. این یافته موید مفهوم سازی کلاسیک بورديو از تعامل و ارتباط سرمایه‌ها با یکدیگر است. ولی عملکرد گرایي افراطی مدرنیست‌ها باعث شد که در فضا‌های شهری اولویت به ماشین و حرکت سریع داده شود. این موضوع باعث گسستگی فضایی و اجتماعی گردید. چرا که، در شهرهای ما خیابان‌ها نه برای زندگی بلکه برای حرکت و تسلط مطلق سواره طراحی و اجرا شده‌اند و عابران پیاده و سواره نیز بدون هیچ‌گونه تامل و مکثی به سرعت از آنها عبور می‌کنند تا به مقصد برسند در واقع از حضور در خیابانها و میدان‌ها اکراه می‌ورزند. در شهرهای ایران فضا‌های عمومی یا اساساً وجود ندارد و یا شرایط مناسب برای گفت‌وگو و تعامل بین شهروندان در آنها به چشم نمی‌خورد شهرها صرفاً در برگیرنده سکونتگاه‌ها و تاسیسات و تجهیزات شهری‌اند و فضا‌های شهری به جا مانده از گذشته به کلی تغییر کرده‌اند و هیچ نشانه‌ای از هویت و نقش اجتماعی ندارند.

شهر پایدار، شهری است که تنوع در آن وجود داشته باشد و مورد حمایت مردم قرار گیرد، کلیه افراد و گروهها به خدمات و تسهیلات اساسی دسترسی داشته و ساکنان دارای موقعیت‌های برابر باشند. با لحاظ به اینکه هدف از مدیریت اجتماعی رسیدن به پایداری در سه سطح اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که برای بعد محیطی - حفاظت از محیط؛ برای بعد اجتماعی - تقویت همبستگی/ عدالت اجتماعی/ مشارکت؛ برای بعد اقتصادی - تأمین نیازهای مادی مطرح می‌شود. اصول مدیریت پایدار اجتماعی به شرح ذیل عملی است: الف) نگرش بین‌بخشی ب) مشارکت اجتماعی ج) آینده‌نگری د) استفاده اثر بخش از منابع طبیعی ه) ارزیابی فعالیت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی و برنامه‌ریزی ز) تفکر کل‌گرا. که در مجموع هدف مدیریت اجتماعی پایدار، تسهیل تردد عابر پیاده، ترکیب و اختلاط کاربری‌ها و گسترش عملکردهای اجتماعی به عنوان عامل وحدت بخش بناها و فضا‌های عمومی است. (ملکی، ۱۳۸۲: ۴۵).



شکل ۴) مدل پایداری

احساس شهروندی به خودی خود و به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی شود بلکه باید نهادهایی متکفل ایجاد این احساس باشند. نهادهایی مثل رسانه ها، تامین اجتماعی، انتخابات و نهادهایی داوطلبانه مردمی می توانند چنین هویتی را ایجاد کنند. در واقع افراد برای اینکه به عنوان شهروند شناخته شوند نیازمند عضویت در نهادهای مدنی اند. با عضویت در این گونه نهادها، فرایند اجتماعی شدن افراد در سطحی بالاتر از خانه و مدرسه تداوم می یابد و همبستگی های اجتماعی جدید حاصل می شود که لازمه زندگی در شهرهای بزرگ است. در این گونه نهادها، افراد می آموزند که تفاوت ها را بپذیرند، به حقوق دیگران احترام بگذارند، به منافع و علائق دیگران نیز بیندیشند و همچنین اطاعت از قواعد مشترک اجتماعی را تمرین کنند. پایبندی به اخلاق و سلوک شهروندی، در واقع تمرین دموکراسی در سطح روابط اجتماعی خرد با اطرافیان و اعضای نهادهای مدنی است. در نهایت، انسجام نهادهای دولتی، دانشگاهی و NGO ها می تواند همگان را جهت دستیابی به حیات مدنی و در نهایت ارتقاء سلامت جامعه یاری رساند.



شکل ۵) روابط مدیریت شهری، کالبد شهر و شهروند

پانوشت :

-
- ¹ HABERMAS
 - ² JACOBS
 - ³ LOURY
 - ⁴ BECKER
 - ⁵ COLEMAN
 - ⁶ PUTNAM
 - ⁷ BOURDIEU
 - ⁸ FUKUYAMA
 - ⁹ SCHULTZ
 - ¹⁰ LYNCH

منابع و ماخذ:

ایمانی ، حسین (۱۳۸۲)، افزایش سرمایه اجتماعی برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی ،مجله ابتکار، شماره ۲۴ و ۲۵

پاکزاد ،جهانشاه(۱۳۸۵) ،مبانی نظری و فرایند شهری ،انتشارات شهیدی، چاپ دوم : تهران
تاجبخش ،کیان(۱۳۸۵) ،سرمایه ی اجتماعی اعتماد ،دموکراسی و توسعه ، تهران : انتشارات شیرازه
جابری مقدم ، مرتضی هادی (۱۳۸۴) ،شهر و مدرنیته ،تهران : انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری
حسین محمد (۱۳۷۷)،مدنیت و شهروندی در جامعه ،تهران : مجله اندیشه حوزه
خاتم ،اعظم(۱۳۸۴)،حوزه همگانی و فضاهای عمومی در ایران ، نشریه اندیشه ایران شهر ،سال اول ،شماره سوم : تهران

رضازاده ، راضیه (۱۳۸۱) زمان ،سرعت و ضرباهنگ شهری ،مجله مدیریت و برنامه ریزی شهری ،سال سوم.

فرشید ،یزدانی (۱۳۸۱)، تامین اجتماعی و حفظ سرمایه اجتماعی تهران : روزنامه همشهری
فکوهی ،ناصر (۱۳۸۳)،انسان شناسی شهری ،تهران : انتشارات نی
لینچ ،کوین(۱۳۷۶) ،تئوری شکل خوب شهر ،ترجمه ی : سید حسین بحرینی ،انتشارات دانشگاه تهران
تهران:

متولی ،رضا (۱۳۸۴)،چشم انداز نظری «سرمایه اجتماعی»،مجله مطالعات امنیت شهری ،شماره اول
محمود حسینی (۱۳۷۸)، مدیریت شهری ،حقوق شهری و جامعه مدنی ،مجله شهرداری ها شماره ۲۰
محسن ، رضایی (۱۳۸۱)،سرمایه اجتماعی ،تهران : روزنامه اعتماد
مدنی پور ،علی(۱۳۸۴) ،فضا های عمومی و خصوصی شهر ،ترجمه : بابک محقق ، نشریه اندیشه
ایران شهر ،سال اول ،شماره سوم : تهران
مشکلاتی ، پروانه (۱۳۸۳)،اداره ی شهرهای جهان با الگوهای مشارکتی ،مجله شهرداری ها ،سال ششم
شماره ۶۹

ملکی،سعید(۱۳۸۲) ، شهر پایدار و توسعه شهری پایدار ، مجله مسکن و انقلاب ،شماره ۱۲۰

- (۱۳۸۰) ،سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی ،تهران : انتشارات عصر ما

POON ,J.H.& BUTTON, K.& NIJKAMP,P.(2006), SOCIAL PLANNING, P. 216
LONDON , AN ELGAR REFERENCE COLLECTION PRESS.